

ترجمه و برداشتی

از:

قرآن مجید

جزوه شصت و پنجم

ترجمه و برداشت: از استاد سید حسن ابطحی

تنظیم موضوعی: جمعی از دانشمندان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ *

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ
وَالسَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ لَا سِوَا عَلَى
بَقِيَّةِ اللَّهِ رُوحِي وَأَرْوَاحُ الْعَالَمِينَ لِتُرَابٍ مَقْدَمِهِ الْفِدَاءُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیشگفتار

این جزوه باموضوع بندی مسئله «تزکیه نفس» از آیات قرآن تنظیم شده و هر آیه ای که مربوط به موضوعی از این علم است بعد از همان آیه ترجمه شده و سپس برداشتی از آیات در فصل جداگانه ای ارائه داده شده است. و بخاطر آنکه مباحثمان فعلاً در مسائل تزکیه نفس است قبل از مسائل اعتقادی آیاتی که مربوط به مراحل تزکیه نفس است در این جزوه آورده شده است.

ضمناً نباید گمان کرد، آنچه را که در اینجا می نویسیم تفسیر آیات قرآن بوده و یا حتی توضیح قرآن است. بلکه فقط یک نوع راهنمایی است که برای تدبّر بیشتری در قرآن و توجّه دوستان به سخنان حضرت حقّ جلّ و علایادآوری شده است.

تا ان شاء الله سالکین إلى الله با تأمل زیادتری موفّق به قرائت قرآن گردند. و ضمناً آیاتی که در این جزوه قرائت می شود جابجا شده و تنظیم موضوعی گردیده است.

یعنی اگر شما بخواهید آیانی که مربوط به تزکیه نفس است را پشت سر هم قرائت کنید به ترتیب قرآن مجید در این جزوه آورده شده است و بعدها سایر آیات که مربوط به عقاید و فروع احکام است در جزوات جداگانه ای آورده خواهد شد ان شاء الله.

به امید موفقیت و السلام

سید حسن ابطحی



أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

«سورة مباركة نمل»

آیات ۵- ۱ از سورة مباركة نمل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

طس تِلْكَ آيَاتُ الْقُرْآنِ وَكِتَابٍ مُبِينٍ ﴿١﴾ هُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿٢﴾

الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ ﴿٣﴾ إِنَّ

الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ زَيَّاتٌ لَهُمْ أَعْمَالُهُمْ فَهُمْ يَعْمَهُونَ ﴿٤﴾ أُولَئِكَ

الَّذِينَ لَهُمْ سُوءُ الْعَذَابِ وَهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمْ الْآخَسُونَ ﴿٥﴾

ترجمة آیات ۵- ۱

«به نام خداوند بخشنده مهربان»

«طس» این آیات قرآن و کتاب روشنگر است. (۱)

هدایت و بشارت برای مؤمنین است. (۲)

مؤمنینی که نماز را بر پا می دارند و زکات را می دهند و به آخرت، آن ها یقین دارند. (۳)
قطعاً کسانی که ایمان به آخرت ندارند، اعمالشان را برایشان جلوه داده ایم. پس آن ها در سرگردانی فرو
رفته اند. (۴)

آن ها کسانی هستند که عذاب بدی برای آن ها خواهد بود و در آخرت آن ها زیانکارترند. (۵)

برداشت از آیات ۵- ۱ (ایمان به قرآن)

سالک الی الله باید آیات قرآن را روشنگر و راهنما و بشارت دهنده برای خود بداند و این اعتقاد حاصل
نمی شود مگر با ایمان کامل و یقین به آخرت و اگر این گونه ایمانی برای او پیدا شود طبعاً نماز را بر پا می دارد

و زکات می‌دهد. ولی اگر ایمان به آخرت نداشته باشد اعمال بیهوده‌اش برایش جلوه می‌کند و در سرگردانی فرو می‌رود و عذاب بدی در دنیا برای او خواهد بود و در آخرت معلوم می‌شود که چه ضرری کرده است.

آیات ۱۴ - ۱۷ از سورة مبارکه نمل

إِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِأَهْلِهِ إِنِّي آنَسْتُ نَارًا سَآتِيكُمْ مِنْهَا مَخَبِرٌ أَوْ آتِيكُمْ

بِشِهَابٍ قَبَسٍ لَّعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ ﴿٧﴾ فَلَمَّا جَاءَهَا نُودِيَ أَنْ بُورِكَ مَنْ فِي

النَّارِ وَمَنْ حَوْلَهَا وَ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٨﴾ يَا مُوسَىٰ إِنَّهُ أَنَا اللَّهُ

الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٩﴾ وَ أَلْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا رَآهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّى مُدْبِرًا وَ

لَمْ يُعَقِّبْ يَا مُوسَىٰ لَا تَخَفْ إِنِّي لَا يَخَافُ لَدَيَّ الْمُرْسَلُونَ ﴿١٠﴾ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ

نَحْمُ بَدَّلَ حُسْنًا بَعْدَ سُوءٍ فَإِنِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١١﴾ وَ أَدْخِلْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ

تَخْرُجْ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ فِي تِسْعِ آيَاتٍ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَ قَوْمِهِ إِنَّهُمْ كَانُوا

قَوْمًا فَاسِقِينَ ﴿١٢﴾ فَلَمَّا جَاءَهُمْ آيَاتُنَا مُبْصِرَةً قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُبِينٌ ﴿١٣﴾ وَ

جَحَدُوا بِهَا وَ اسْتَيْقَنَتْهَا أَنْفُسُهُمْ ظُلْمًا وَ عُلُوًّا فَأَنْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ

الْمُفْسِدِينَ ﴿١٤﴾

وقتی موسی به اهلش گفت: من آتشی را احساس می‌کنم، به زودی از آن خبری یا گوله آتشی برای شما بیاورم، شاید شما گرم شوید. (۷)

پس وقتی موسی نزد آتش آمد، ندا داده شد که مبارک باشد بر کسی که در آتش است و کسی که اطراف آتش است و منزّه است خدائی که پروردگار عالمیان است. (۸)

ای موسی، قطعاً این است که من خدای عزیز حکیمی هستم. (۹)

و عصایت را ببنداز. پس موسی وقتی به آن نگاه کرد، دید مثل اینکه ماری است که حرکت می‌کند. موسی پشت کرد و پشت سرش را هم نگاه نکرد. ای موسی، ترس. قطعاً نزد من پیامبران نمی‌ترسند. (۱۰)

مگر کسی که ظلم کند، سپس بدی را به نیکی تبدیل کند، قطعاً من بخشنده مهربانی هستم. (۱۱)

و دستت را در گریبان داخل کن که با درخشندگی سفیدی بدون آنکه ناراحتی داشته باشد، بیرون می‌آید. این در نه نشانه‌ای است که به سوی فرعون و قومش می‌روی. قطعاً آن‌ها قوم فاسقی می‌باشند. (۱۲)

پس وقتی که آیاتِ بینش‌دهنده ما نزد آن‌ها آمد، گفتند: این سحر آشکاری است. (۱۳)

و آن را به خاطر ظلم و سرکشی انکار کردند، در حالی که در دل آن را یقین داشتند. پس نگاه کن عاقبت فسادکنندگان چگونه بوده است. (۱۴)

برداشت از آیات ۱۴-۷ (قصه حضرت موسی علیه السلام)

- سالک الی الله باید از این قسمت از قصه حضرت موسی علیه السلام برداشته‌های زیر را داشته باشد:
- ۱ - نسبت به اهل و عیالش مهربان باشد و با کمال جدیت مسائل راحتی آن‌ها را فراهم بیاورد.
 - ۲ - وقتی که با خدای تعالی هم کلام شد همه چیز را فراموش کند و صددرصد متوجه پروردگارش باشد.
 - ۳ - اوامر الهی را اطاعت کند و در این صورت و با توجه به این که در محضر پروردگار است از هیچ چیز ترسد.
 - ۴ - در مقابل دشمنان خدا و فاسقین هر چند او را مسخره کنند و ساחרش بدانند محکم بایستد و از خود هیچ گونه ضعفی نشان ندهد.
 - ۵ - کوشش کند که عاقبت بین باشد و از کارهای بد مردم گذشته عبرت بگیرد و از آن اعمال دوری کند.

وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ

مِنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٥﴾ وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُودَ وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عُلِّمْنَا

مَنْطِقَ الطَّيْرِ وَأُوتِينَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ ﴿١٦﴾ وَحِشَرَ

لِسُلَيْمَانَ جُنُودَهُ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَالطَّيْرِ فَهُمْ يُوزَعُونَ ﴿١٧﴾ حَتَّى إِذَا أَتَوْا

عَلَى وَادِ التَّمَلِّ قَالَتْ نَمْلَةٌ يَا أَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ لَا يَحْطِمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ

وَجُنُودُهُ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿١٨﴾ فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِنْ قَوْلِهَا وَقَالَ رَبِّ

أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ

صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ ﴿١٩﴾ وَتَقَقَّدَ الطَّيْرُ

فَقَالَ مَا لِي لَا أَرَى الْهُدُودَ أَمْ كَانِ مِنَ الْغَائِبِينَ ﴿٢٠﴾ لَأُعَذِّبَنَّهُ عَذَابًا شَدِيدًا

أَوْ لَأَذْبَحَنَّهُ أَوْ لَيَأْتِيَنِّي بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ ﴿٢١﴾ فَمَكَثَ غَيْرَ بَعِيدٍ فَقَالَ أَحَطْتُ بِمَا لَمْ

تَحِطُ بِهِ وَجِئْتُكَ مِنْ سَبَإٍ بِنَبَأٍ يَقِينٍ ﴿٢٢﴾

و قطعاً به داود و سلیمان علم عنایت کردیم و گفتند: حمد و ستایش مال خدائی است که ما را بر بیشتری از بندگان مؤمنش فضیلت داده است. (۱۵)

و سلیمان از داود ارث برد و گفت: ای مردم، سخن گفتن پرندگان به ما تعلیم داده شده است و از هر چیزی به ما امکاناتی داده شده است. قطعاً این همان فضیلت آشکار است. (۱۶)

و برای سلیمان لشگرهایش از جنّ و انس و پرندگان گرد یکدیگر جمع شدند. پس آنها هماهنگ و جمع می شدند. (۱۷)

تا وقتی که به بیابان مورچگان رسیدند. مورچه ای گفت: ای مورچه ها، به لانه های خود بروید، مبادا سلیمان و لشگریانش شما را پایمال کنند، زیرا آنها متوجه نیستند. (۱۸)

پس سلیمان از سخن آن مورچه تبسم کرد و خندید و گفت: پروردگار من، مرا موفق کن نعمتی را که به من و بر پدر و مادرم داده ای، شکر کنم و اینکه عمل شایسته ای که تو را راضی کند، انجام دهم و به مهربانی خودت مرا در میان بندگان شایسته ات داخل فرما. (۱۹)

و (سلیمان) فقدان پرنده را جويا شد. پس گفت: مرا چه شده که «هدهد» را نمی بینم؟ یا اینکه از پنهان شدگان است؟ (۲۰)

قطعاً او را به عذاب سختی مجازات می کنم یا او را می کشم یا باید دلیل واضحی برای من بیاورد. (۲۱)

خیلی معطل نشد که هدهد گفت: من بر چیزی احاطه پیدا کرده ام که تو بر آن احاطه نداری و من از «سبا»^(۱) یک خبر یقینی برای تو آورده ام. (۲۲)

برداشت از آیات ۲۲-۱۵ (قضیه حضرت سلیمان علیه السلام)

سالک الی الله باید از قضیه حضرت سلیمان علیه السلام مسائل زیر را استفاده کرده و عمل کند:

۱- اگر از جانب پروردگار به خاطر تزکیه نفسش به او علم و حکمتی داده شد حمد و شکر خدا را بکند و از این نعمت قدردانی نماید.

۲- سالک الی الله اگر بندگی خدا را بکند و دوران تزکیه نفس را بگذراند و متصف به صفات الهی بشود

۱- شهر سبا در سرزمین یمن است.

قدرت پروردگار پشتوانهٔ او خواهد بود و جن و انس و حتی پرندگان در خدمت او قرار خواهند گرفت.

۳ - باید قدرت الهی را آن قدر بی نهایت بداند که اگر خدا بخواهد او ارتباط جانداران را با یکدیگر می فهمد و سخنان آنها را درک می کند.

۴ - باید در مقابل تمام این نعمتها شاکر باشد و از خدای تعالی بخواهد که کارهایش مرضی پروردگار باشد و جزء بندگان صالح خدا واقع شود.

۵ - باید بکوشد که در تمام امور، خودش و کارمندان و خدمتگزارانش منظم باشند و با قاطعیت با آنها برخورد کند.

۶ - اگر یکی از کارمندان و خدمتگزاران عذر موجهی در بی نظمی اش داشته از او بپذیرد و او را مورد مؤاخذه قرار ندهد.